بحران هسته ای ایران علل و چشم انداز آن

محمد اعظمی

از طرح برنامه هسته ای ایران در شورای حکام انرژی اتمی ، بیش از یکسال و نیم می گذرد . در پی حاد شدن این بحران ، وزرای خارجه فرانسه، انگلیس وآلمان در ۲۱ اکتبر۸۳ در دیدار با نمایندگان جمهوری اسلامی در تهران به توافقی رسیدند که بر اساس آن رژیم ایران پذیرفت ساخت قطعات مرتبط با غنی سازی را تعلیق نماید در مقابل سه کشوراروپائی از فرستادن پرونده ایران به شورای امنیت جلوگیری کنند . پس از جلسه شورای حکام ، جمهوری اسلامی با مشاهده به گل نشستن کشتی امریکا در باتلاق عراق و در گیری اش در انتخابات، به تعهدات خود عمل نکرد. این ماجرا قطعنامه شدید الحن سپتامبر شورای حکام را در پی داشت که به ایران تا ۲۵ نوامبر مهلت داد که ابهامات برنامه هسته ای خود را بر طرف و غنی سازی اورانیم را معلق نماید. پس از این اخطار، گفتگوی سه کشور با ایران از سر گرفته شد، طی چند جلسه جمهوری اسلامی نهایتا به شروط سه کشور گردن نهاد. اروپا نیز متعهد شد که سوخت راکتورها را تامین و از عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی دفاع کند و سازمان مجاهدین خلق را نیز همچنان در لیست جریانات تروریستی خود نگاهدارد . همانگونه که قابل پیش بینی بود، تصمیمات شورای حکام در همین چارچوب باقی ماند.

بدین ترتیب از بین المللی شدن بحران هسته ای ایران بیش از دو سال می گذرد. عواقب زیانبار سیاست های نابخردانه رژیم حاکم ، بیش از هر نیروئی گریبان مردم ایران را خواهد گرفت .از اینرو با نگاه به علت بحران و راه مقابله با آن، می کوشم در این نوشته به سیاست های جمهوری اسلامی در این زمینه ازیکسو وامریکا و اروپا از سوی دیگر، بپردازم. اما پیش از آن و در ارتباط با آن چند نکته را یادآور می شوم:

اول اینکه در صحبت پیرامون بحران هسته ای ایران می بایست توجه داشت که سکان هدایت این بحران در دست حکومتی است که که از پشتیبانی مردم برخوردار نیست، حکومتی است غیر متعارف،غیر قانونی، متکی بر سرکوب و سرنیزه که تنها با تکیه بر مافیای مالی و نظامی در قدرت مانده است. این رژیم نه از اعتماد ملی بهره مند است و نه از مقبولیت بین المللی. در داخل نفرت مردم را بر انگیخته است و در مناسبات بین المللی بی اعتمادی جامعه جهانی را. سلاح هسته ای که سهل است ، یک چاقو هم در دست این رژیم مخرب و زیانبار است. از این توضیح دو نتیجه میگیرم:

۱ – رژیمی که برای مردم خود هیچ حقی قائل نیست ودر مناسبات بین المللی حقوق آنان را محترم نمی شمرد با چنین رژیمی ، نمی توان با زبان حقوق سخن گفت . یعنی حق غنی سازی در ارتباط با حکومتی معنی دارد که کلمه حق را بشناسد.

۲ – در بستن قراردادها وسیاست گذاری ها اهمیت دارد به موقت بودن آنها به درازای عمر رژیم تاکید شود. اینگونه قراردادها اعتبارشان را از اراده مردم و حکومت متکی به مردم می گیرند. حکومتی که پشتیبانی مردم را ندارد، نمی تواند به نمایندگی مردم و برای مردم ایران تصمیم بگیرد.

دوم ، در تنظیم مناسبات با جمهوری اسلامی، دنیای غرب بویژه آمریکا، روی چهار موضوع حساسیت نشان می دهد. رابطه جمهوری اسلامی با نیروهای تروریست، کار شکنی آن در رابطه با طرح صلح خاورمیانه ای آمریکا، سیاست حکومت در قبال گسترش سلاح های کشتار جمعی و امر حقوق بشر. در میان این چهار موضوع ، حقوق بشر مساله ای است که هر از چند گاهی برجسته می شود تا تحت این عنوان امتیاز ی از رژیم گرفته شود. امریکا واروپا نشان داده اند که آنگونه هم که مدعی اند اعتقاد چندانی به آن ندارند، تحت فشار نهادهای دمکراتیک و افکار عمومی این موضوع در دستورشان قرار گرفته است. جمهوری اسلامی اما، به حقوق بشر نگاه دیگری دارد. حتی نسبت به نام آ ن هم حساس است و برای مسکوت گذاشتن آن آماده است تا قیمت گزافی بپردازد. بدلیل این ویژگی ها، حقوق بشر آن حلقه ضعیفی است که در مناسبات غرب با ایران به آسانی می تواند در برابر دریافت امتیازی، قربانی شود. داستان تروریست دانستن مجاهد ین شاهد گویائی است. این حکومت ها مساله اشان تروریست بودن یا نبودن مجاهدین نیست. تروریست نامیدن آنها فقط و فقط کادوئی است به رژیم جمهوری اسلامی برای کوتاه آمدن از برنامه های هسته ای اش. از این رو اهمیت دارد اپوزیسیون ترقیخواه نسبت به این موضوع حساس بماند و برای افشای سیاستی که در پی قربانی کردن حقوق بشر است، بکوشد .

سوم اینکه جمهوری اسلامی توجیه خلاف کاریهای اش را از سیاستهای تبعیض آمیز اروپا وآمریکا می گیرد . در حالی که بر اساس معا هده « پی ان تی» کشورهای غیر اتمی از فعالیت برای دستیابی به بمب اتم منع شده اند، کشورهای مسلح به اتم نیز اجازه گسترش برنامه های اتمی خود را ندارند. در این مدت، هم، کشورهای اتمی برنامه هایشان راگسترش داده اند و هم، کشورهائی نظیر پاکستان و اسرائیل به کلوب اتمی پیوسته اند، بدون انکه با مخالفتی روبرو شوند. زمانی که اسرائیل، که از هر نظربا جمهوری اسلامی هم منش و هم روش است، با حمایت آمریکا و سکوت اروپا مسلح به اتم می شود، برای فشار به جمهوری اسلامی چه تو جیه محکمی باقی می ماند. در اتخاذ سیاست و در برخورد با سیاست های ماجراجویانه رژیم ، افشای سیاست های یک بام و دو هوای این جهان به اصطلاح متمدن ضروری است .

بحران چگونه پدیدار شد؟

ایران تنها کشور عضو اوپک است که برنامه هسته ای شامل ساختن نیروگاه دارد. برنامه هسته ای ایران پیش از انقلاب در زمان شاه بی ارتباط با نیازهای مردم ایران با انگیزه جاه طلبی وتبدیل شدن به قدرت برتر خاورمیانه، با احداث نیروگاه بوشهر – که قرارداد آن با کمپانی آلمانی« زیمنس» بسته شده بود – بطور جدی آغاز شد. اما با استقرار جمهوری اسلامی، این قرار داد همراه با چند قرارداد نیروگاه دیگر و همچنین قرارداد تامین اورانیوم سوخت این نیروگاه ها، که با موسسه «ارودیف» بسته شده بود، بطور یکجانبه لغو شد. پس از چند سال جمهوری اسلامی بفکر اتمام پروژه نا تمام بوشهر افتاد، زیمنس تقاضای رژیم را رد کرد. روسیه اما، پس از سالها مذاکرات پنهان و آشکار، قرارداد تکمیل این نیروگاه را در سال ۱۹۹۵ پذیرفت. از آن زمان تا کنون برنامه های هسته ای

جمهوری اسلامی پیشرفت زیادی داشته است. گفته می شود که رژیم ایران برنامه های هسته ای اش در حدی است که می تواند تا چند سال دیگر سلاح هسته ای تولید کند. با این وجود جمهوری اسلامی هیچگونه گزارشی به آژانس بین المللی انرژی اتمی نداده است .– ایران در سال ۱۹۷۴ پیمان منع گسترش سلاح های کشتارجمعی را امضا کرده است و جمهوری اسلامی خود را بدان پایبند اعلام کرده است – طی دو سال گذشته اطلاعات مربوط به برنامه های اتمی ایران که مخفی نگاهداشته شده بود، به بیرون درز کرد و رابطه نه چندان مناسب جمهوری اسلامی را با غرب بحرانی کرد. با حاد شدن بحران و در پی سفر بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی ، تخلفات رژیم یکی پس از دیگری آشکارتر شد. بر اساس این گزارشات، حکومت ایران در سال ۱۹۹۱ اورانیوم خریداری شده اش بالغ بر ۸/۱تن بوده است . در این مدت احداث یک واحد تولید آب سنگین در اراک، ایجاد تاسیسات اتمی در نطنز و بالاخره تحت پوشش شرکت کالای الکتریک مبادرت به ایجاد تاسیسات اتمی دیگری در تهران کرده است.

این مجموعه توجه جامعه جهانی را بیشتر جلب کرده وغرب و آمریکا را به تلاش وادشت تا ارابه جمهوری اسلامی را، که مدتی است شتابان بسوی دستیا بی به سلاحهای اتمی به حرکت افتاده است، متوقف نماید، بر زمینه عملکرد حکومت، بحران اتمی ایران وارد فاز جدیدی شده است . حساسیت ویژه اروپا و آمریکا روی حکو مت ایران از اینروست که:

۱– جمهوری اسلامی طی نیم قرن حکومت اش هیچگاه برای موازین و حقوق شناخته شده بین المللی پشیزی ارزش قائل نبوده وامروز هم قائل نیست . آنجاهائی که تن به این موازین داده است ، از ترس و درزیر سایه زوربوده است. این رژیم درکی از حقوق بین الملل ندارد، نه آنرا می فهمد و نه می خواهد آن را بفهمد.

۲– جمهوری اسلامی مدعی است که برنامه اتمی اش صلح آمیز است و در پی دستیابی به سلاح اتمی نیست.اما سرمایه گذاری کلان روی انرژی هسته ای ، برای کشوری که سر شار از منابع نفت و گاز است به چه معنی است . خصوصاروزانه بدلیل نبود سر مایه مقادیرهنگفتی از این منابع از دست می رود .

۳– جمهوری اسلامی برنامه صلح آمیز اش ؟ را ازچشم آژانس بین المللی مخفی کرده است . افزون بر این میزان و درجه غنی سازی که بازرسان بدست آورده اند برای انرژی اتمی ضروری نبود.

۴– جمهوری اسلامی با بنیاد گرایان اسلامی روابط نزدیک دارد، در عراق برای آمریکا مزاحمت ایجاد میکند، برای طرح صلح درفلسطین بسهم خود اخلال میکند و...

عامل بسیار مهم دیگری که این بحران را عمیق کرده است ، نا همخوانی رژیم جمهوری اسلامی با سیاست های جدید آمریکا، پس از ۱۱ سپتامبر است. یکی از عناصر اصلی این سیاست جدید، دستیابی کامل آمریکا به نفت منطقه خاورمیانه و از میدان به در کردن اوپک است و این نیازمند استقرار صلح بین اسرائیل و فلسطین ودر کل خاور میانه است. حذف ویا سر به راه کردن حکو مت های مزاحم نظیر حکومت ایران از الزامات چنین طرحی است. صدام و طالبان در چهار چوب چنین طرحی سرنگون شد ند. حکومت جمهوری اسلامی نیز از نظر آمریکا در دراز مدت می بایست از سر راه کنار زده شود. تکروی ویکه تازی آمریکا در عراق وکنار نهادن دیگرقدرت های سرمایه داری و نا همخوانی ادعاهای آن با عملکردش، مقاومت هارا درعراق در ابعاد بسیار گسترده ای دامن زده وآمریکا رابا نا کامی هائی روبرو کرده است. در نتیجه از سوئی زمان رویا روئی حاد با جمهوری اسلامی را به تاخیر انداخته و از سوی دیگرضرورت تغیر سیاست وتن دادن به تقسیم غنائم و مشارکت دیگر کشورهای سرمایه داری در سرنوشت عراق را به آمریکا تحمیل کرده است. اگر در ماجرای عراق این آمریکا است که سیاست اش به اروپا نزدیک می شود در رابطه با معضل هسته ای ایران، به برکت تحجر و عقب ماندگی حا کمان کشورمان، این اروپا است که سیاست خود را به آمریکا نزدیک می کند.در مجموع رابطه جهان غرب و آمریکابا ایران در مقطع کنونی متاثر از برنامه هسته ای ایران است واز منشور آن می گذرد.

سیاست غرب و آمریکا

اروپا وآمریکا اگر در یک چیز توافق داشته باشند، آن جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته ای است. هر دو از جمهوری اسلامی مسلح به سلاح هسته ای می هراسند. تفاوت آنها در این زمینه در روشهاست که آن را نیز سیاست های نا بخردانه رژیم بهم نزدیک کرده است. اینکه غرب و آمریکا چه سیاستی در قبال برنامه هسته ای جمهوری اسلامی اتخاذ خواهند کرد اولابه اطلاعات لازم در این زمینه در ثانی به مجموعه سیاست ها و واکنش های حکومت و بالاخره به میزان پیشرفت سیاست آمریکادر خاورمیانه وعراق و چگونگی توافق آن بااروپا بستگی دارد. تا کنون عمد تادر رابطه با ایران بر سه گزینه تاکید شده است : حمله نظامی ، محاصره اقتصادی و سیاست تهد ید و تطمیع .

حمله نظامی

این گزینه را گر چه نمی توان بطور کامل کنار گذاشت اما احتمال آن در چشم انداز بسیارضعیف است. جدا از امکان موفقیت آمیز بودن آن، از این سیاست تا کنون فقط آمریکا سخن بمیان آورده است. در این زمینه اگر اقدامی صورت گیرد – که باز هم ضعیف است – بمباران برخی از مراکز نظامی و پا یگاههای هسته ای است. این اقدام نیز مشکلات خود را دارد. تاسیسات اتمی ایران در بیش از بیست نقطه به فاصله های زیاد از همدیگر قراردارند. برخی از آنها در زیر زمین با تجهیزات محکم بنا شده اند. حمله به این مراکز به اطلاعات دقیق نیاز دارد، معلوم نیست آمریکا چنین اطلاعاتی در اختیار داشته باشد. چنین سیاستی می تواند منطقه بحرانی خاور میانه را، که بشدت نیازمند آرامش است، متشنج تر کند.و.... این سیاست با مخالفت اروپا، چین وروسیه مواجه می شود و در حال حا ضر آمریکا در موقعیتی نیست که بدان دست یازد.

محاصره اقتصادی

ین سیاست زمانی کارا و اثر گذار می شود که بصورت یکپارچه واز طر یق شورای امنیت سازمان ملل پیش رود واین در حال حاضر بسیار مشکل بنظر می رسد. چین اعلام کرده است در شورای امنیت تحریم را وتو می کند، برخی از کشورهای تحریم کننده ، به نفت و گاز ایران وابسته اند ، در صد بالائی از نفت ایران به چین و ژاپن می رود. ایران مشغول

بستن قرارداد سی ساله گاز با چین است. گفته مشود این بزرگترین قرارداد دنیا است. با اروپا نیز قرارداد های نفتی دارد. در مجموع جبران نفت ایران در بازار جهانی کار دشواری است . با وجود این مشکلات ، عملکرد حاکمیت ایران بگونه ای بوده است که با گذشت زمان ، اروپا سیاستش تندتر و به آمریکا نزدیک شده است.

معا مله و بده بستان

در شرایط کنونی که سیاست حمله نظامی و محاصره اقتصادی برای به عقب نشاندن جمهوری اسلامی با مشکلاتی روبروست ، بطور موقت ، راه معامله و بده بستان و توافق گشوده می شود . آنچه که برای غرب و آمریکا مهم است ، دست برداشتن ایران از برنامه هسته ایش بویژه غنی سازی اورانیوم و جداسازی پلاتونیوم ، کنار نهادن تقویت گروههای حزب اله در عراق و لبنان و حمایت از طرح صلح خاورمیانه ای آمریکا یعنی « نقشه راه » است . برای ایران نیز عدم مداخله نظامی ومنتفی کردن سیاست سرنگونی ، کنار گذاشتن سیاست تحریم آمریکا وباز کردن راه برای عضویت در سازمان تجارت جهانی و دریافت وام از موسسات مالی و کمک برای دستیابی به تکنولوژی پیشرفته اهمیت دارد. از آنجا که هیچکدام از دو طرف اعتماد و اعتقادی بیکدیگر ندارند ، عمر این سیاست به درازای بهم خوردن تعادل قوای کنونی خواهد بود .

جمهوری اسلامی چه می خواهد؟

در میان سران جمهوری اسلامی حول پرونده هسته ای تفاوت نظر وجود دارد. نیروی تعین کننده نظام، خواهان پی گیری برنامه هسته ای تا دستیابی به سلاح اتمی است . مخا لفت آمریکاو ایستادگی اروپا در برابراین خواست، آنها را به موش و گربه بازی واداشته است. هر کجا که فشار بالا می رود ، رژیم یک گام پس می نهد و آنجا که سایه زورکمرنگ می شود، تعهدات اش را زیر پا می گذارد. این نیروز یکسوبرنامه اتمی را برای مقابله با تهدیدات خارجی و طولانی کردن عمر خویش پی می گیرد واز دیگر سو می خواهد با استفاده از تهدیدات خارجی به مردم ایران دهن بند زند .

در رابطه با برنامه هسته ای دو گرایش در میان قدرت حاکم قابل مشاهده است. ثقل گرایش نخست در میان فرماندهان نظامی وچهره های تند سیاسی و رسانه هائی نظیر کیهان قرار دارد که رویاروئی با غرب را پی می گیرند. این گروه خواهان خروج از «پی-ان-تی» است. در سیاست داخلی نیز در پی سرکوب شدید است گرایش دوم نیز دستیابی به سلاح هسته ای را می خواهد اما رویاروئی با غرب و آمریکا را بسود خویش نمی داند. این گرایش گر چه از برنامه صلح آمیز هسته ای وفن آوری هسته ای دم می زند، امادر انتظارفرصت کمین کرده است تا در موقعیت مناسب به تعهدات خود و قرارهای بین المللی پشت کند. این گرایش می کوشد با مقاومت بیشتر، امتیازات فزون تری کسب کند. . اینان در نظر دارند هر چه قاطع تر بایستند تا اولاتضمین بگیرند که آمریکا مزاحم ادامه حکومتشان نشود ثانیادر زمینه ای مثل حقوق بشر دست ایران را باز بگذارند که هر چه می خواهد انجام دهد ثالثا امتیازهائی نظیر عضویت در بازار تجارت جهانی را بدست آورند.

در کنار این نیرو ، اصلاح طلبان حکومتی قرار دارند که خواهان دستیابی به انرژی وتکنولوژی هسته ای هستند اما در حال حاضر ، بدلیل بخطر افتادن امنیت کشور حا ضرند از آن دست کشند. این گرایش حفظ رابطه با غرب وایجاد رابطه با آمریکا را برای ایران بسیار حیاتی می دانند.

چشم انداز بحران و راهکارها

بسیار بعید بنظر می رسد تا رژیم جمهوری اسلامی بر اریکه قدرت نشسته است، چشم انداز بحران اتمی ایران، بسوی حل شدن ره بپیماید توافق کنونی قبل از این که راه حلی دراز مدت برای دو طرف باشد ، فرصتی است برای مکث و نقشه کشی و عقب نشاندن طرف مقابل. آمریکا کماکان جمهوری اسلامی را مزاحم برنامه های خود می داند . و جمهوری اسلامی نیز بدون سلاح اتمی حیات خویش را در خطر می بیند . در این چارچوب نه آمریکا از نقشه خاورمیانه ای خود که یکی از عناصر اصلی اش حذف جمهوری اسلامی است، دست می کشد ، نه جمهوری اسلامی برنامه اتمی خود را که تضمین کننده هستی اش می انگارد، کنار می گذارد . شرایط مقطعی ، توافقات موقتی را در پی دارد و بنظر می رسد بحران بدرازای عمر رژیم ادامه یابد.

راه برون رفت ازبحرانی که جامعه ما در چنگال آن اسیر است، استقرار حکومتی است دمکراتیک، متکی بر آرای مردم ایران. اما تا استقرار چنین حکومتی ، سیاست های نابخردانه جمهوری اسلامی می تواند جان و هستی مردم ایران را در معرض نابودی قرار دهد. ماجرا جوئی جمهوری اسلامی در برنامه هسته ایش، حتی اگررژیم را به سلاح هسته ای برساند، نمی تواند ادامه حیاتش را تضمین نماید. از سوی دیگر، مقابله نظامی یا محاصره اقتصادی نیز بسود مردم ایران نیست. همانگونه که محاصره اقتصادی عراق، دست صدام را در جنایت علیه مردم عراق باز تر کرد، محاصره اقتصادی ایران نیز می تواند جمهوری اسلامی را در سرکوب هارتر کند. دخالت نظامی هم ممکن است به سرنگونی رژیم بینجامد. اما هرج و مرج و ناامنی و جنگ داخلی را دامن زده، موقعیت مردم و نیروهای مترقی را تضعیف می کند. با جنگ و زیر سایه بمب و موشک دموکراسی پا نمی گیرد. نهال دموکراسی با دستان زنان و مردان، تلاش خستگی نا پذیرکارگران و مزدبگیران ، فداکاری استادان و دانشجویان وسخت کوشی روشنفکران و فرهیختگان کشورمان بارور شده به جوانه خواهد نشست. نمی توان این نهال را در میدان جنگ ودر میان جهنمی ازآتش و دود بارور کرد. بسود جهان غرب وآمریکاست که از مماشات با جمهوری اسلامی پرهیز کند. نه سیاست های دخالتگرانه غرب و نه زد و بند با جمهوری اسلامی، رهگشای مبارزه علیه تروریسم نیست. جهان غرب بجای چشم فرو بستن بر جنایات این رژیم طی ۲۵ ساله گذشته، می بایست روابط خود را مشروط به رعایت حقوق بشرمی کرد واز این زاویه رژیم را تحت فشار قرار می داد.

در رابطه با سیاست هسته ای نیز که امروز داغ شده است، مقابله جدی با آن بدون کنار نهادن سیاست یک بام و دو هوائی که تا کنون جاری بوده است، ممکن نیست. این برخوردهای دوگانه فقط آب به آسیاب رژیم های بنیاد گرا می ریزد

نیروهای چپ ودمو کرات همیشه از جهانی عاری از سلاحهای کشتار جمعی دفاع کرده ودفاع می کنند. خاور میانه یکی از مناطقی است که تحت سیطره حکومت های بنیاد گرا، به انبار باروتی مسلح به اتم تبدیل شده است و این کشورها استعداد این را دارند که منطقه را به آتش بکشند. بدون خلع سلاح کشورهای این منطقه از سلاحهای مرگبار، جهان روی صلح و آرامش بخود نخواهد دید.

کمک های مالی رسیده

م، آزادگان	۱۰۰ فرانك سوئیس
آتوسا	۱۰۰ فرانك سوئیس
به یاد رفیق فرهاد	۳۰۰ فرانك سوئیس